مبکر وقف شده
تقدیم طلای
آستان قدس
۱۳۸۷ / ۲ / ۲.۱۱

کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد آستان قدس رضوی

نام کتاب: بیست باب در اسطرلاب

مؤلف متن: خواجه نصیر الدین طوسی محشی

شارح مترجم

تاریخ تحریر: ۱۰۶۸ ق نوع خط: نستعلیق تعداد سطر: ۱۵

موضوع: ریاضیات زبان: فارسی عدد اوراق: ۲۷

طول: ۲۱٫۵ عرض: ۱۲ شمارهٔ عمومی: ۲۷۲۴۰

وقفی / خریداری: سید جواد موسوی کیا

تاریخ وقف: دعا ۱۳۸۰ نام کاتب

ملاحظات

بازبین شد
۱۳۷۱ش

نسب نامه حضرت

محمد ابن عبد الله بن عبد المطلب بن هاشم بن عبد مناف بن قصی بن کلاب بن مره
بن کعب بن لوی بن غالب بن فهر بن مالک بن نضر بن کنانه بن خزیمه بن مدرکه
بن الیاس بن مضر بن نزار بن معد بن عدنان بن ادد بن اد بن الیسع
بن الهمیسع بن سلامان بن نبت ابن حمل بن قیدار بن اسمعیل بن
ابراهیم بن تارخ بن ناخور بن ساروغ بن ارعو بن فالغ بن عابر بن
ارفخذ بن سام بن نوح بن لمک بن متوشلخ بن اخنوخ بن یرد بن
مهلائیل بن قینان بن انوش بن شیث بن ادم علی نبینا و علیه السلام

اسماء ... فیه علامه التانیث مونث نیست
التمام ما لا ... فیه ... والکبد والکرش والساق
کالنفخ والعین والرجل والکتف والعنق والقوس والخیل
والقدم والید والدار والشر والفرس والابل والغنم والعقرب
والنعل والنار والشمس والریح والارض والسماء والدلو والعقاب و ... حدید و ... والعنق
والبئر والکاس والذراع والقدوم والعنق والنمس ودرع حدید
والارنب والسن والذراع والضبع والملح والعنق ... ومتقدم ... والدرع
وما یجوز تذکیرها و تانیثها والعهد والطریق الدرب والسلاح
والسان والسلطان والمتن والسبیل

بسم الله الرحمن الرحیم وبه نستعین

[illegible]

اسالک توفیق الاتمام یا ذا الفضل والاکرام این مختصر
در معرفت اسطرلاب مشتمل بر بیست باب باب اول در القاب
الات و خطوط و دوایر اسطرلاب آنچه علاقه در وی بست حلقه
بود و آنچه حلقه در وی باشد از عروه خوانند و بعضی که عروه بر
بسته بود از اکری خوانند و آنچه کرسی برو باشد در صفایح و غیر
آن مشتمل باشد از اجزاء ام خوانند و صفیحها در حجره بود و بر روی
صفیحها صفیحه مشبکه را عنکبوت و شبکه خوانند و دایره که بر روی
حجره بود بسیصد و شصت قسمت کنند و ابتدا از خطی کنند که بر کرسی
بگذرد و بعلاقه پیوندد بر جانب راست بر توالی پنج ده ده ارقام
نوشته باشند از اجزاء حجره خوانند و بر ظهر اسطرلاب یعنی بر
پشت حجره دو خط مستقیم بر زوایای قایمه کشیده باشند یکی

ازجانب

۴۰

از جانب علاقه آید از خط علاقه و خط وسط السما خوانند و خط دیگر را
مشرق و مغرب و خط افق خوانند و دایره که بر او کشیده باشند
باین خطها بچهار قسم متساوی شود و ربعی را از دو ربع که از دو
جانب کرسی بود به نود قسم کرده باشند از اجزاء ارتفاع
خوانند و باشد که هر دو ربع را قسمت کرده باشند و بر ربعی
از دو ربع که در نشیب بود اجزاء ظل نقش کرده باشند و بر
صفایح دوایر بسیار بود از آن جمله سه دایره متوازی بود که مرکز
هر سه مرکز صفیحه بود و آنچه در میان باشد مدار راس الحمل و المیزان
باشد و آنچه بیرون بود مدار راس الجدی و آنچه در اندرون بود
بود مدار راس السرطان و این در اسطرلاب جنوبی مدار
راس الجدی در اندرون بود و مدار راس السرطان بیرون باشد و دو
دایره دیگر که بر روی یکدیگر کشیده باشند و مرکز آن نه مرکز صفیحه
باشد بعضی از آن تمام و بعضی ناتمام از آن دوایر مقنطرات خوانند
و آن بر قسم فوق الارض رقم کرده باشند از سمت الراس
خوانند و دو خط مستقیم که بر مرکز صفیحه متقاطع شوند یکی را که بعلاقه

شمالی بود در اسطرلاب

سماکین اند یکی را که تنهاست سماک اعزل
خوانند و دیگر را که شمالی روشنتر سماک رامح
خوانند و آن دو ستاره که با اوست انرا رمح رامح
خوانند و در آخر بهار اول شب سماک رامح بر میان
آسمان بود بمقابل سر اغزل و در جنوب و مغرب
او در شمال و مشرق وانفدر دو نیزه هفت ستاره
باشد بر شکلی دایره باشد نا تمام و عوام اورا کاسه شکسته
و کاسه درویشان خوانند و منجمان آنرا فکه
خوانند و دیگر از ان کوکب روشنتر بود انرا نیر الفکه
خوانند و چون فکه بمیان آسمان رسد و در جانب
جنوب ستاره عقرب نزدیک رسد بنصف النهار
و از ان کوکب روشن تر ستاره بود با او دو ستاره
دیگر تاریکتر از دو جانب او باشند بر خط مقوس
انرا قلب العقرب خوانند دو ستاره بر میان آسمان
گذرد که با آن دو ستاره خرد بر مثال مثلثی خرد متساوی
الاضلاع باشد و عوام انرا دیگ پایه خوانند و در آخر

تابستان

تابستان باول شب راست بر سمت الراس آنرا نسر واقع
خوانند و در مقابل او از سوی مشرق و جنوب نزدیک
کناره مجره ستاره روشن بود میان دو ستاره دیگر
باریک که بر مثال خط مستقیم باشد و عوام آنرا شاهین
تراز و خوانند وان دو ستاره روشن نسر طایر است و چون
نسر از افق عده سازند کوکبی تاریکتر از ایشان از سوی مغرب
باشان بر مثال مثلثی باشد آن کواکب را راس الحوی
خوانند و کوکبی دیگر هم از جانب مشرق و شمال باشان هم بر مثال
مثلثی باشد مختلف الاضلاع وان دو ستاره بر مثال مجره بود و اورا
ردف و ذنب الدجاج خوانند و بعد از و بر مجره چند
ستاره در روشنی بیکدیگر نزدیک می آیند بر صورت اشتر
عوام اورا اشتر خوانند و آن ستارکان یکی که در پیش
می آید بر کوهان اشتر بود اورا
خوانند پس باین تعریفات بیست کوکب را وصف کرده
آمد که از ایشان ارتفاع توان گرفت و آن ستاره
کان اینست عین الثور عیوق ید الجوزا الیمنی
رجل الجوزا الیسری شعری العبور شعرا الغمیصا
راس التوام المقدم راس التوام الموخر قلب الاسد حرفه
سماک الرامح سماک الاعزل نیر الفکه قلب العقرب نسر الواقع نسر الطایر
راس الحوا ردف کف الخضیب ذنب قیطس که در اسطرلابها این
کواکب را نقش کنند هر که این کواکب را شناسد چنانکه
در اشتباه نیفتد اورا درین کفایت باشد اینست تمامی سخن
در معرفت اسطرلاب والسلام علی من اتبع الهدی
تمت هذا الرساله فی روز پنجشنبه نوزدهم شهر ذی حجه الحرام سنه ۱۰

راس الحوی

کف الخضیب